

پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر اساس الگوهای ارتباط والد-فرزند و سبک‌های دلبستگی

عاطفه خراسانی زاده^۱، طاهره رنجبری پور^۲، حمید پورشریفی^۳، فریبرز باقری^۴
و جعفر پویامنش^۵

طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای عمیق، فراگیر و ناکارآمدی است که در کودکی یا نوجوانی شکل گرفته، در بزرگسالی تداوم می‌یابد و در عمیق‌ترین سطح شناخت، عمل که معمولاً فرد نسبت به آنها آگاهی ندارد، عمل می‌کند. به طور معمول فرض می‌شود طرحواره‌ها در نتیجه تجارب اولیه با مظاهر دلبستگی پرورش می‌یابند. هدف این پژوهش تعیین نقش میانجیگر سبک‌های دلبستگی در رابطه بین الگوهای ارتباط والد-فرزند با طرحواره‌های ناسازگار اولیه بود. برای این منظور، ۴۲۰ دانشجوی دانشگاه‌های آزاد واحد تهران در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و از نظر الگوی ارتباط والد-فرزند، طرحواره‌ها، و دلبستگی مورد ارزیابی قرار گرفتند. تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد از میان مولفه‌های الگوی ارتباط مادر و فرزند، کنترل، درهم‌تنیدگی، انعطاف ناپذیری و بی‌تفاوتی؛ از الگوی ارتباط پدر و فرزند، درهم‌تنیدگی و از میان سبک‌های دلبستگی، سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی پیش‌بینی کننده معنادار طرحواره‌های ناسازگار اولیه هستند. به نظر می‌رسد با اصلاح الگوهای ارتباط والد-فرزند و با توجه به سبک‌های دلبستگی می‌توان از شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار جلوگیری کرد. واژه‌های کلیدی: الگوی ارتباط والد-فرزند، طرحواره، سبک‌های دلبستگی

مقدمه

یکی از نظریه‌هایی که در زمینه شخصیت، آسیب‌شناسی روانی و روان‌درمانی مطرح شده، الگوی طرحواره درمانی یانگ است که مفهوم اساسی آن طرحواره‌های ناسازگار اولیه است. از جمله سازه‌های مهم و جدیدی که به بررسی سبک پردازش شناختی و نحوه اثرگذاری آن بر پردازش

دپارتمان روان‌شناسی عمومی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

دپارتمان روان‌شناسی سلامت، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسوول) t.ranjbaripour@gmail.com

دپارتمان روان‌شناسی سلامت، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

دپارتمان روان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دپارتمان روان‌شناسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

هیجانی در انسان می‌پردازد، سازه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه است (دهقانی و همکاران، ۲۰۱۵؛ کاظمی و مطهری، ۲۰۱۳). در الگوی طرحواره‌ای، هجده طرحواره بر طبق پنج نیاز هیجانی بریدگی و طرد^۱، خودگردانی و عملکرد مختل^۲، محدودیت‌های مختل^۳، دیگرجهت مندی^۴ و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری^۵ است. طرحواره‌های ناسازگار اولیه به علت ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می‌آیند. نیازهای بنیادینی، همچون دلبستگی ایمن به دیگران، خودگردانی، آزادی در بیان نیازها و هیجانهای سالم، خودانگیختگی و محدودیت‌های واقع بینانه (یانگ، کلسکو و ویشار، ۲۰۰۹). طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون مایه‌های عمیق، فراگیر و ناکارآمدی است که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته، در دوران بزرگسالی تداوم می‌یابد و در عمیق‌ترین سطح شناخت، عمل می‌کند که معمولاً فرد نسبت به آنها آگاهی ندارد. طرحواره‌ها، باعث می‌شود افراد مستعد افسردگی، اضطراب، روابط بین فردی ناکارآمد و اختلال‌های روانی- جسمانی شوند (رضایی، غلامرضایی، سپهوندی، غضنفری و دریکوند، ۲۰۱۳). در پژوهش‌های مختلف طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر بهزیستی روان‌شناختی افراد در نظر گرفته شده‌اند (دهقانی، ایزدی خواه و اخباری، ۲۰۱۵).

تجارب اولیه و متعارض با والدین، خواهران، برادران یا همسالان از مهمترین عوامل در شکل‌گیری طرحواره‌ها هستند (منیرپور، غلامی زارچ، تمدن فرد، یوسفی و گنجعلی، ۲۰۱۲). طرحواره‌های ناسازگار اولیه در اوایل زندگی ایجاد می‌شوند و خودشان را به تجارب بعدی زندگی تحمیل می‌کنند. این مساله همان چیزی است که گاهی اوقات از آن به عنوان نیاز به هماهنگی شناختی یاد می‌شود؛ یعنی حفظ دیدگاهی باثبات درباره خود یا دیگران، اگرچه نادرست یا تحریف شده باشد (دهقانی و همکاران، ۲۰۱۵). تفاوت‌های فردی موجود در روابط هیجانی میان والدین و کودکان نتیجه تفاوت نگرش‌های والدینی کردن است و والدین می‌توانند بر رشد اجتماعی و هیجانی کودکان بسیار اثرگذار باشند (دانش، سلیمی نیا، حق رنجبر، نادری و عمویی، ۲۰۱۷؛ نظری، کاکاوند و مشهدی فراهانی، ۲۰۱۵). چنین تصور می‌شود که این سبک‌های مقابله‌ای که به صورت خودکار عمل می‌کنند و انعطاف ناپذیرند در بزرگسالی زمانی که گزینه سازگارانه تری وجود ندارد مورد استفاده قرار می‌گیرند و الگوهای ارتباطی والد- فرزند را تحت تاثیر منفی قرار می‌دهند و بدین گونه نیازهای

1. disconnection and rejection
2. impaired autonomy and performance
3. impaired limits

4. other/directedness
5. over-vigilance and inhibition
6. schemas

هیجانی فرزندان را نقض می‌کنند و به نوبه خود بازنمایی‌های اولیه کودک از محیط را تحت تاثیر قرار داده و گسترش طرحواره‌های ناسازگار اولیه را در کودک تسهیل می‌کنند (سانداگ، زنس، اسکون، تام و لینکولن، ۲۰۱۸).

خانواده مانند هر نظام اجتماعی دارای نیازهای اولیه است که از میان آنها می‌توان به احساس ارزشمندی، امنیت جسمانی، صمیمیت، تعلق و وابستگی، احساس مسوولیت، اعتماد، نیاز به تایید دیگران، نیاز به شادی و موفقیت اشاره نمود که زیرمجموعه‌ای از نیازهای روانی-اجتماعی هستند (سلامی، حاتمی و نوری، ۲۰۱۸).

الگوی ارتباط والد-فرزند، الگویی نظری است که تاثیر ویژگی‌های حاکم بر ارتباط بین والد و فرزند را که بر روی جهت مندی و فعالیتهای هدفمند فرزند تاثیر می‌گذارند را توضیح می‌دهد. شفیلد، والر، امانویلی، مورای و میر (۲۰۰۵) نشان دادند که بعضی از ویژگی‌های والدین مانند تحقیر و کنترل کردن توسط والدین، در ایجاد تعداد زیادی از طرحواره‌های ناسازگار نقش به‌سزایی دارند. این طرحواره‌ها در نتیجه تجارب اولیه با مظاهر دلبستگی پرورش می‌یابند (سویگوت، کاراسمانوگلو و کاکیر، ۲۰۰۹). طبق نظریه دلبستگی تعامل‌های اولیه والد-کودک به گسترش بازنمایی‌های شناختی یا الگوهای موثر درونی در مورد خود و دیگران به عنوان یک راهنما برای رفتارهای خود و انتظار از دیگران در روابط نزدیک کمک می‌کند (مارکاند-ریلی، ۲۰۱۲). سبک دلبستگی در طول زندگی به شکل طرحواره‌های شناختی بازنمایی شود (محمدی، نوروزی‌نژاد، رحمتی‌نژاد و اکبری، ۲۰۱۷). نمود دلبستگی می‌تواند به صورت طرحواره‌های شناختی برای روابط مفهوم‌سازی شوند که در پاسخ به تجارب مراقبان کودک و روابط بین فردی بعدی شکل می‌گیرند (فغانپور گنجی، ۲۰۱۸). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افرادی که سبک دلبستگی ناایمن دارند طرحواره‌های ناسازگار اولیه بیشتری دارند (حمیدی، شاره و حجت، ۲۰۱۵؛ رفیعی، حاتمی و فروغی، ۲۰۱۱؛ صادقی بیدمشکی و میرهاشمی، ۲۰۱۶؛ پلاتز، تایسون و ماسون، ۲۰۰۵؛ سیمارد، موس و پاسکازو، ۲۰۱۱؛ بوسمنز، بریت و ولبریکون، ۲۰۱۰).

ارتباط والد-فرزند، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبکهای دلبستگی هر سه چارچوب‌های نظری هستند که کارکرد روان‌شناختی بزرگسالی را بر اساس تجارب اولیه کودک و رابطه فرد با والدینش توضیح می‌دهند. اگرچه هر سه این چارچوب‌ها توصیف می‌کنند که تجارب اولیه چگونه رشد بعدی را شکل می‌دهند ولی هیچ الگویی به طور کامل چگونگی این اتفاق را شرح نمی‌دهد. لذا پژوهش حاضر به دنبال آن است تا الگوی ساختاری از رابطه بین الگوهای والد-مادر-فرزند با طرحواره‌های

ناسازگار اولیه با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی ارایه دهد که از این جهت دارای نگاه جدیدی است. پژوهش حاضر قصد دارد به این سوال پاسخ دهد که آیا الگوهای ارتباطی والد مادر- فرزند با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی ارتباط غیرمستقیمی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه دارد؟

روش

پژوهش حاضر به لحاظ جمع‌آوری داده‌ها همبستگی از نوع معادله‌های ساختاری است. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، تهران شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز بود. از این جامعه، ۳۶۲ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و با پرسشنامه‌های پرسشنامه الگوی ارتباط والد-فرزند باقری^۱؛ نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره‌ی انگک^۲؛ و پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان‌هازن و شیور^۳ مورد ارزیابی قرار گرفتند.

پرسشنامه الگوی ارتباط والد-فرزند باقری (۲۰۱۳) دارای ۴۸ عبارت است که هشت خرده‌مقیاس انعطاف‌پذیری، تزلزل نرمی، کنترل/محدودیت، نازپروردگی، رسمیت، درهم‌تنیدگی، ارزش مشروط، و رهایی را در یک طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از ۵ تا ۱ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۶۶ به دست آمده است. در تحلیل عاملی این پرسشنامه بارهای عاملی ماده‌ها کمتر از ۰/۶ نبوده و اکثر بارهای عاملی مشاهده شده، بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۵ قرار داشته‌اند (باقری، ۲۰۱۳). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های انعطاف‌پذیری، تزلزل نرمی، کنترل و محدودیت، نازپروردگی، رسمیت، درهم‌تنیدگی، ارزش مشروط و رهایی برای نسخه مادر به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۶۸، ۰/۷۶، ۰/۶۷، ۰/۶۵، ۰/۷۳، ۰/۷۰ و ۰/۶۸ به دست آمد.

پرسشنامه طرحواره‌ی انگک (۱۹۹۸؛ از والر، مایر و هانین، ۲۰۰۱) با ۷۵ عبارت، ۵ حوزه طرحواره‌های بریدگی و طرد؛ خودگردانی و عملکرد مختل؛ دیگرجهت‌مندی؛ گوش به زنگی بیش از حد و بازداری؛ محدودیت‌های مختل را در یک طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از ۱ تا ۶ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. والر و همکاران (۲۰۰۱) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ و روایی مطلوبی گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمد.

پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان‌هازن و شیور (۱۹۸۷) شامل ۱۵ عبارت سه سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اضطرابی/اجتنابی و سبک دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا را در یک مقیاس ۵ درجه‌ای

1. parent child communication pattern 3. Hazen & Shaver adult attachment styles questionnaire
2. Young schema questionnaire-short form

لیکرت از صفر تا ۵ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. هازن و شیور پایایی بازآزمایی کل این پرسشنامه را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ به دست آوردند. هازن و شیور (۱۹۸۷) روایی و پایایی این پرسشنامه را تایید کرده اند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اضطرابی/ اجتنابی و سبک دلبستگی اضطرابی/ دوسوگرا به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۵ و ۰/۶۳ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. داده‌ها با هجدهمین ویرایش نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

نمونه پژوهش حاضر را ۱۲۷ نفر مرد و ۲۳۵ نفر زن تشکیل دادند که میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۰/۴۷ سال با انحراف معیار ۳/۴۳ سال بود. همچنین میانگین سن مادران شرکت کنندگان ۴۵/۹۰ سال بود. ۴۹/۷ درصد از شرکت کنندگان از رشته‌های علوم انسانی، ۲۶/۲ درصد از فنی و مهندسی و ۲۴ درصد از علوم پایه بودند. در جدول ۱ مولفه‌های توصیفی متغیرها ارائه شده است.

جدول ۱. کشیدگی، چولگی، عامل تورم واریانس و ضریب تحمل ابعاد الگوی ارتباط والد - فرزند و سبکهای دلبستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه

sd	M	متغیر	sd	M	متغیر
۵/۱۹	۱۲/۶۰	الگوی ارتباط مادر و فرزند - کنترل	۵/۵۵	۱۶/۷۶	الگوی ارتباط پدر و فرزند - انعطاف‌ناپذیری
۳/۰۲	۱۶/۲۹	الگوی ارتباط مادر و فرزند - نازپروردگی	۴/۴۸	۱۴/۴۰	الگوی ارتباط پدر و فرزند - تزلزل و نرمی
۱۳/۳۹	۳۲/۸۷	الگوی ارتباط مادر و فرزند - رسمیت	۴/۵۶	۱۵/۲۳	الگوی ارتباط پدر و فرزند - کنترل
۵/۰۴	۱۶/۳۳	الگوی ارتباط مادر و فرزند - درهم‌تنیدگی	۳/۵۳	۱۹/۵۹	الگوی ارتباط پدر و فرزند - نازپروردگی
۴/۶۱	۱۵/۱۸	الگوی ارتباط مادر و فرزند - ارزش مشروط	۴/۴۸	۱۶/۱۸	الگوی ارتباط پدر و فرزند - رسمیت
۳/۷۳	۱۴/۳۱	الگوی ارتباط مادر و فرزند - بی‌تفاوتی	۵/۲۶	۱۲/۶۹	الگوی ارتباط پدر و فرزند - درهم‌تنیدگی
۳/۳۵	۱۱/۵۱	سبک دلبستگی اجتنابی	۳/۶۱	۱۶/۹۵	الگوی ارتباط پدر و فرزند - ارزش مشروط
۲/۸۲	۱۵/۰۵	سبک دلبستگی ایمن	۳/۰۳	۱۶/۶۰	الگوی ارتباط پدر و فرزند - بی‌تفاوتی
۳/۶۸	۱۱/۶۷	سبک دلبستگی دوسوگرا	۳/۹۲	۱۴/۵۰	الگوی ارتباط مادر و فرزند - انعطاف‌ناپذیری
۴۷/۸۵	۱۷۵/۹۵	طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه	۳/۴۹	۱۹/۵۲	الگوی ارتباط مادر و فرزند - تزلزل و نرمی

باتوجه به اینکه ارزش‌های کشیدگی و چولگی هیچ‌یک از متغیرها از محدوده بین +۲ و -۲ خارج نشده است و توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از طبیعی بودن تک متغیری انحراف آشکاری ندارند و همچنین از آنجا که ضریب تحمل کمتر از ۰/۱ و ارزش عامل تورم واریانس بالاتر از ۱۰

نشان‌دهنده هم خطی بودن است، مساله‌ی هم خطی بودن در بین متغیرهای پیش‌بین پژوهش رخ نداده است. به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آزمون دوربین واتسون استفاده شد. با توجه به آماره دوربین واتسون که برابر ۲/۱۸۴ است و در فاصله مجاز ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، پیش فرض عدم وجود همبستگی بین خطاها تایید شد، یعنی خطاها دارای همبستگی نبودند و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد.

جدول ۲. تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی در پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه

پیشین	B	SE	β	t	sig
عدد ثابت	۵۲/۲۸	۱۲/۸۷		۴/۱۶۲	۰/۰۰۰
کنترل مادر	۲/۷۳	۰/۵۸	۰/۲۶۴	۴/۷۱۲	۰/۰۰۰
درهم‌تیدگی مادر	۱/۷۷	۰/۵۲۱	۰/۱۹۲	۳/۴۰۰	۰/۰۰۱
انعطاف‌ناپذیری مادر	۱/۳۰۸	۰/۵۵۶	۰/۱۳۸	۲/۳۵۴	۰/۰۱۹
بی‌تفاوتی مادر	۲/۳۱۰	۰/۷۲۵	۰/۱۴۶	۳/۱۸۷	۰/۰۰۲
$R = ۰/۵۵۸, R^2 = ۰/۳۱۲$					
عدد ثابت	۵۳/۳۴	۱۲/۸۱		۴/۱۶۲	۰/۰۰۰
کنترل مادر	۲/۶۷	۰/۵۷۹	۰/۲۵۸	۴/۶۱۲	۰/۰۰۰
درهم‌تیدگی مادر	۰/۶۸۳	۰/۷۲۸	۰/۰۷۴	۰/۹۳۸	۰/۳۴۹
انعطاف‌ناپذیری مادر	۱/۳۴۱	۰/۵۵۳	۰/۱۴۱	۲/۴۲۴	۰/۰۱۶
بی‌تفاوتی مادر	۲/۰۱۲	۰/۷۳۵	۰/۱۲۷	۲/۷۳۸	۰/۰۰۷
درهم‌تیدگی پدر	۱/۴۲۷	۰/۶۶۹	۰/۱۵۷	۲/۱۳۴	۰/۰۳۴
$R = ۰/۵۶۶, R^2 = ۰/۳۲۰$					
عدد ثابت	۱۰/۱۳۳	۱۲/۶۶		۰/۸۰۰	۰/۴۲۴
کنترل مادر	۲/۰۵۸	۰/۵۲۵	۰/۱۹۹	۳/۹۲۲	۰/۰۰۰
درهم‌تیدگی مادر	۱/۰۴۹	۰/۶۵۷	۰/۱۱۴	۱/۵۹۷	۰/۱۱۱
انعطاف‌ناپذیری مادر	۰/۹۵۹	۰/۴۹۸	۰/۱۰۱	۱/۹۲۳	۰/۰۵۵
بی‌تفاوتی مادر	۱/۳۱۶	۰/۶۶۶	۰/۰۸۳	۱/۹۷۷	۰/۰۴۹
درهم‌تیدگی پدر	۰/۷۸۱	۰/۶۰۵	۰/۰۸۶	۱/۲۹۱	۰/۱۹۸
دل‌بستگی دوسوگرا	۳/۷۴۸	۰/۵۶۶	۰/۲۸۹	۶/۶۲۴	۰/۰۰۰
دل‌بستگی اجتنابی	۲/۶۱۷	۰/۵۹۶	۰/۱۸۳	۴/۳۸۷	۰/۰۰۰
$R^2 = ۰/۴۵۵, adjR = ۰/۴۴۵$					

جدول ۲ نشان می‌دهد که از میان مولفه‌های الگوی ارتباط مادر و فرزند کنترل ($\beta = ۰/۲۶۴, P = ۰/۰۰۱$),

درهم‌تیدگی ($\beta=0/192$, $P=0/001$)، انعطاف‌ناپذیری ($\beta=0/138$, $P=0/019$) و بی‌تفاوتی ($\beta=0/146$)، $P=0/002$ ؛ الگوی ارتباط پدر و فرزند درهم‌تیدگی ($\beta=0/157$, $P=0/034$) و از بین سبکهای دلبستگی سبک دلبستگی دوسوگرا ($\beta=0/289$, $P=0/000$) و اجتنابی ($\beta=0/183$, $P=0/001$) پیش‌بینی‌کننده معنادار طرحواره‌های ناسازگار اولیه هستند.

بحث

این پژوهش نشان داد که الگوی ارتباط پدر و فرزند درهم‌تیدگی و سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی پیش‌بینی‌کننده معنادار طرحواره‌های ناسازگار اولیه هستند. در تبیین این یافته‌ها می‌بینیم که، کنش‌های متقابل میان والدین و فرزندان، اساس تحول عاطفی فرد تلقی می‌شود و این کنش متقابل در تمام مراحل عمر وی، خود را نشان می‌دهد (فردوسی، ۲۰۱۶). خانواده‌های درهم‌تیده با انکار تفاوتها یا با جر و بحث مداوم، که به آنها اجازه می‌دهد احساسات خود را بدون اصرار برای تغییر یا حل مسایل بیرون بریزند، از تعارض اجتناب میکنند و بدین طریق باعث کاهش انسجام خانواده می‌شوند (ابراهیم بابایی، حبیبی، قدرتی و قنبری، ۲۰۱۷). در روابط در هم‌تیده، عواطف و هیجانها نقش غالب را ایفا میکنند و حدود و مرزها و قواعد و ارتباطات کمرنگ می‌شوند یا از بین می‌روند. در الگوی ارتباطی درهم‌تیدگی، احتمال پیدایش روابط نزدیک عاطفی مثبت و منفی افزایش می‌یابد، اما اقتدار، احترام را کاهش می‌دهد. در نظام خانوادگی که نوع ارتباط اعضای آن حریمها، مرزها، و حرمتها رعایت نشوند، اولین چیزی که قربانی می‌شود هویتهاست (باقری، ۲۰۱۳). خانواده‌هایی به تحول خود و هویت یابی کمک می‌کنند، که بافت ایمنی دارند و فرصت‌هایی برای برقراری ارتباط و فضای امنی جهت ابراز نیازها و احساسات برای افراد ایجاد می‌کنند (شریفی، امیری و قاسمی، ۲۰۱۸). پدران با نقشهای مردانه و مادران مقتدر برای آموزش قوانین به کودکان و به موفقیت رساندن در زندگی اجتماعی آنها مناسب هستند (زافیروپولو، آواگیانو و واسیلیادو، ۲۰۱۴).

شاید به این دلیل که این والدین درگیر معیارها و هنجارهای خودتحمیل‌گرایانه هستند، قادر به پاسخگویی حساس و همدلانه به نیازها و آرزوهای فرزندان خود نباشند (عزیزی و بشارت، ۲۰۱۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهند برخوردهای خشن، محدودکننده و کنترل افراطی به فردیت و استقلال فرزندان در خانواده آسیب می‌زند (توزنده‌جانی، توکل‌زاده و لگزریان، ۲۰۱۲) و ممکن است احساس بی‌پناهی و طردشدگی حاصل از دلبستگی ناایمن، فرد را به ورطه انزوا سوق دهد (جهانبخش، ۲۰۱۲). مادرانی که در کنار علاقه و محبت، کنترل مداوم نشان می‌دهند به کودکان در اعتماد به دیگران، ابراز

آزادانه احساسات و عدم ترس از طرد و تنهایی کمک می‌کنند در غیر این صورت ترس از رها شدن یا مورد سوءرفتار قرار گرفتن یا آسیب‌پذیری هیجانی بر کودک حاکم خواهد شد (زافروپولو، آواگیانو و واسیلیادو، ۲۰۱۴). گاهی، در حوزه‌ی طرحواره‌های خودگردانی و عملکرد مختل، انتظارات فرد از خود و محیط با توانایی‌های محسوس او برای جدایی، بقا و عملکرد مستقل یا انجام موفقیت‌آمیز کارها تداخل می‌کند. در حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، خانواده‌ها بر عملکرد عالی و بی‌نقص‌گرایی تاکید می‌کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۹).

دریافت عشق والدین در دوران کودکی و دلبستگی ایمن با آنها در تسهیل، فهم و مدیریت هیجانها تاثیر می‌گذارد (دهقانی و همکاران، ۲۰۱۵). والد بنیان و اساس ایمنی را البته از طریق حمایت و کمک کردن به کودک برای جستجوی محیط مهیا می‌کند. بین‌الگوی دلبستگی کودک و تعامل با والد، ارتباط نزدیکی وجود دارد، و شکست در ایجاد ارتباطی گرم، حساس و پاسخ‌دهنده در سال اول زندگی مشکلات رفتاری پایداری در کودک ایجاد میکند، از اینرو، رابطه والد-کودک محور آرامش و امنیت و تجربه رابطه مثبت و پاسخگو بودن والد، مقدمه لازم برای اکتشاف‌گری و سازش بهنجار کودک و رشد در زمینه‌های شناختی و اجتماعی-هیجانی نظر طرحواره‌های هیجانی است (هنرپروران، خاتونی، باقری، نامجو و هارونیزاده، ۲۰۱۸؛ لاسون، ولتینو، مکدونل و اسپیدل، ۲۰۱۸).

عدم ارضای نیاز هیجانی دلبستگی ایمن به دیگران، منجر به بهره‌مندی از سبک دلبستگی ناایمن یعنی سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا می‌شود که سنگ بنای اولیه شکل‌گیری طرحواره‌های ناکارآمد است. چنین افرادی از طرحواره‌های ناسازگار بیشتری رنج می‌برند که این امر باعث ایجاد اضطراب در آنان می‌شود. در افراد با سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا نیازهای امنیت، ثبات، همدلی، درمیان گذاشتن احساسات، پذیرش و احترام با بهره‌مندی از طرحواره ناسازگار بریدگی و طرد، به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی ارضا نخواهد شد که این امر منجر به شکل‌گیری طرحواره بریدگی و طرد در این افراد می‌شود. افراد با سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا و اجتنابی، به علاوه، با داشتن طرحواره دگرجهت‌مندی، معمولاً هیجانها و تمایلات طبیعی خود را واپس زده و نسبت به آنها ناآگاه هستند (فغانپور گنجی، ۲۰۱۸). فردی که طرحواره‌های حوزه بریدگی و طرد را دارد، خود را در مهمترین جنبه‌های شخصیتش انسانی ناقص، نامطلوب، بد و بی‌ارزش می‌داند که انتظار دارد دیگران او را طرد و سرزنش کنند (خوشبینی پایین)، احساس ناامنی در حضور دیگران می‌کند و به علت ترس از افشا شدن (در معرض دیگران بودن) و تحقیر شدن به افراد اجازه نمی‌دهد به او نزدیک شوند. افراد دارای طرحواره‌های دگرجهت‌مندی تاکید زیادی بر ارضای نیازهای دیگران در مقایسه با نیازهای خودشان

دارند و این کار را برای کسب تایید، حفظ ارتباط عاطفی و اجتناب از تنبیه انجام می‌دهند. افراد دارای طرحواره‌های خودگردانی و عملکرد مختل در مجزا کردن خود از خانواده و نمادهای والدینی و عملکرد مستقل مشکل دارند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۹). افراد دارای طرحواره‌های حوزه محدودیت‌های مختل نمی‌توانند به گونه‌ای کارآمد و با کفایت خود را کنترل کنند (صلواتی، یک‌ی زدان دوست و کاویانی، ۲۰۱۰). طرحواره‌های حوزه گوش به زنگی و بازداری از این باور شکل گرفته که فرد باید برای دستیابی به معیارهای بیرونی و کمال‌گرایانه بسیار عالی برای رفتار و عملکرد اغلب به خاطر اجتناب از سرزنش تلاش به خرج بدهد (تولایی، نادری، رضایی‌مرام، تولایی، بابامحمدی و همکاران، ۲۰۱۵).

References

- Azizi, K., & Besharat, M. A. (2011). The relationship between parental perfectionism and parenting styles. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 15, 1484-1487. (persian)
- Bagheri, F. (2013). Parent-Child Relationship Patterns Parenting Theoretical Model Based on Islamic world view and concept of the human nature. *Educational Science from Islamic Point of View*, 1(1), 5-39. (persian)
- Besharat, M. A., & Farahman, H. (2017). The mediating role of difficulties in emotion regulation on the relationship between attachment pathologies and symptoms of depression and anxiety. *Thoughts and Behavior in Clinical Psychology*, 11(44), 7-16. (persian)
- Bosmans, G., Braet, C., & van Vlierberghe, L. (2010). Attachment and symptoms of psychopathology: early maladaptive schemas as a cognitive link? *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 17, 374-385.
- Danesh, E., Saliminia, N., Hagh Ranjbar, F., Naderi, F., & Amooei, Kh. (2017). Structural model of psychosocial development in relation to mothers' spiritual intelligence and parenting styles. *Journal of Applied Psychology*, 11(41), 47-65. (persian)
- Dehghani, S., Izadikhah, Z., & Akhbari, M. S. (2015). The Prediction of Mental Quality of Life Based on Defectiveness/Shame Schema with Mediating Role of Emotional Intelligence and Coping Strategies by Means of Structural Equations Modeling. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 4(2), 103-118. (persian)
- Ebrahimbabaie, F., Habibi, M., Ghanbari, N., & Ghodrati, S. (2017). Comparing Family Structure (Cohesion and flexibility) in HIV Positive and HIV Negative Individuals. *Zanko Journal of Medical Sciences*, 18(57), 1-10. (persian)
- Ferdosi, Z. (2016). Compare of self-differentiation in adolescents between family structure single parent (mother) and core family. *The Journal of New Advances in Behavioral Sciences*, 1(2), 13-25. (persian)
- Foghanpoor Ganji, M. (2018). The mediating role of early maladaptive schemas in attachment styles and addiction to mobile social networks in students. *The Journal of New Advances in Behavioral Sciences*, 3(22), 18-37.
- Hamidi, S., Shareh, H., & Hojjat, S. K. (2015). Comparison of early maladaptive schemas and attachment styles in women with vaginismus and normal women. *The Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*, 18(155,156), 9-18. doi:10.22038/ijogi.2015.4760 (persian) .
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Honarparvaran, N., khatoni, Z., Bagheri, S., Namjoo, F., & Haronizadeh, Z. (2018). Effectiveness of Transactional Analysis group on mother-child attachment security in children with oppositional defiant disorder has attachment problems. *Journal of Applied Psychology*, 11(44), 557-578. (persian)
- Jahanbakhsh, M. (2012). Effect of attachment-based therapy on mental health in girls with attachment problems. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 14(54), 51-140. Doi: 10.22038/jfmh.2012.984. (persian)
- Kazemi, H., & Motahari, S. (2013). Relationship between early maladaptive schemas and meta-cognitive states in girls and boys students. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 3(1), 11-22. (persian)
- Lawson, M., Valentino, K., McDonnell, C. G., & Speidel, R. (2018). Maternal attachment is differentially associated with mother-child reminiscing among maltreating and non-maltreating families. *Journal of Experimental Child Psychology*, 169, 1-18.
- Marchand-Reilly, J. F. (2012). Attachment Anxiety, Conflict Behaviors, and Depressive Symptoms in Emerging Adults' Romantic Relationships. *Journal of Adult Development*, 19(3): 170-176.
- Marquardt, E. (2005). *Between Two Worlds: The Inner Lives of Children of Divorce*. New York, NY, US: Crown Publishing Group/Random House.

- Mohammadi K, Rezaei AM, Mohammadifar MA, Talepasand S. (2018). The Structural Model Evaluation of the Correlation of Family Functioning and Parental Abuse with Students' Academic Achievement: The Mediating Role of Social Adequacy and Academic Self-efficacy. *Iranian Journal of Medical Education*. 2018; 18(0):60-9. (persian)
- Mohammadi, S. D., Nouruzinejad, G. H., Rahmatinejad, P., & Akbari, V. (2017). Correlation between Attachment Styles and Early Maladaptive Schemas in Students. *Qom Univ Med Sci J*, 11(9), 52-60. (persian)
- Monirpoor, N., Gholamzarch, M., Tamaddonfard, M., Khoosfi, H., & Ganjali, A. R. (2012). Role of Father-Child Relational Quality in Early Maladaptive Schemas. *International Journal of High Risk Behaviors & Addiction*, 1(2), 50-54. (persian)
- Nazari, F., Kakavand, A., & Mashhadi Farahani, M. (2015). Relationship between early maladaptive schemas of mothers with parenting styles and externalizing symptoms in children. *Journal of Applied Psychology*, 9(34), 115-135. (persian)
- Platts, H., Mason, O., & Tyson, M. (2005). Early maladaptive schemas and adult attachment in a UK clinical sample. *Psychology and Psychotherapy: Theory Research and Practice*, 78, 549-564.
- Rafiee, S., Hatami, A., & Foroghi, A. A. (2011). The relationship between early maladaptive schemas and attachment in women with extramarital sex. *Scientific Journal Management System*, 2(5), 21-36. (persian)
- Rezaei, M., Gholamrezayi, s., Sepahvandi, M. A., Ghazanfari, F., & Darikvand, F. (2013). The potency of early maladaptive schemas and personality dimensions in prediction of depression. *Thoughts and Behavior in Clinical Psychology*, 8(29), 77-86. (persian)
- Sadeghi Bidmeshki, F., & Mir Hashemi, M. (2016). Relationships between Attachment Styles and Early Maladaptive Schemas with Sexual Dysfunction. *Journal of Family Research*, 12(1), 155-169. (persian)
- Salami, F., Hatami, H. R., & Noori, R. (2018). Structural model of substance use tendency in adolescents based on psychological family climate and family history of addiction with mediating peer group. *Journal of Applied Psychology*, 12(46), 265-84. (persian)
- Salavati, M., Yeke Yazdandoost, R., & Kavyani, H. (2010). *Schema Therapy: Clinician Guide for Clinical Psychologist* (First ed ed.). Tehran: Danjeh. (persian)
- Sharifi, F., Amiri, Sh., & Ghasemi, V. (2018). Predicting adolescents' moral identity from family function. *Journal of Psychology Achievements*, 25(1), 45-58. doi:10.22055/psy.2018.13305.1168 (persian)
- Sheffield, A., Waller, G., Emanuelli, F., Murray, J., & Meyer, C. (2005). Links between Parenting and Core Beliefs: Preliminary Psychometric Validation of the Young Parenting Inventory. *Cognitive Therapy and Research*, 29(6), 787-802.
- Simard, V., Moss, E., & Pascuzzo, K. (2011). Early maladaptive schemas and child and adult attachment: a 15-year longitudinal study. *Psychology and psychotherapy*, 84(4), 349-366.
- Soygut, G., Karaosmanoglu, A., & Cakir, Z. (2009). [Assessment of early maladaptive schemas: a psychometric study of the Turkish young schema questionnaire-short form-3]. *Turkish Journal of Psychiatry*, 20(1), 75-84.
- Sundag, J., Zens, C., Ascone, L., Thome, S., & Lincoln, T. M. (2018). Are Schemas Passed on? A Study on the Association between Early Maladaptive Schemas in Parents and Their Offspring and the Putative Translating Mechanisms. *Behavioural and cognitive psychotherapy*, 46(6), 738-753. Tavallaii, A., Naderi, Z., Rezaeiaram, P., Tavallaii, V., Babamohamadi, Z., & Aghaie, M. (2015). The relationship between early maladaptive schemas and three dimensions of headache impact in Iranian outpatients with chronic migraine without aura. *International Journal of Behavioral Sciences*, 9(3), 215-223. (persian)
- Tozandehjani, H., Tavakolizadeh, J., & Lagzian, Z. (2011). The Effect of Parenting Styles on Self-efficacy and Mental Health of Students. *Quarterly of Horizon of Medical Sciences*, 17(2), 56-64. (persian)
- Waller, G., Meyer, C., & Hanian, V. (2001). Psychometric properties of the long & short versions of the Young Schema Questionnaire. *Cognitive Therapy and Research*, 25(2), 137-147.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2009). *Schema Therapy: A Practitioner's Guide* (H. Hamidpour. & Z. Andouz, Trans. 1st Ed.). Tehran: Arjmand.
- Zafiropoulou, M., Avagianou, P. A., Vassiliadou, S. (2014). Parental Bonding and Early Maladaptive Schemas. *Journal of Psychological Abnormalities*, 3, 1.
- Zarei, E., Karami Boldaji, R., Heydari, H., Hossein Khanzadeh, A. A., & Baharloo, G. (2014). Prediction of the Five-Factor Personality Traits of Students based on Adult Attachment Styles. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 4(1), 167-180. (persian).

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 13 (No. 50), pp.17-26, 2019

Prediction early maladaptive schemas based on parent child relationship patterns and attachment styles

Khorasani Zadeh, Atefeh

Dept. of General Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran
Ranjbari Pour, Tahereh

Dept. of General Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran
Poursharifi, Hamid

Dept. of Health Psychology , Social Welfare and Rehabilitation Sciences University, Tehran, Iran
Bagheri, Fariborz

Dept. of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
Pouyamanesh, Jafar

Dept. of Psychology, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran

Received: 18. 12.2017

Accepted: 21.03.2018

Early maladaptive schemas are profound, inclusive and ineffective patterns developed in childhood or adolescence, continue in adulthood, and act at the deepest level of cognition-in a way the person does not know about them. Typically, schemas are supposed to be developed as a result of initial experiences with attachment manifestations. The purpose of this study was to explore the role of attachment styles as a mediator in parent-child relationship patterns with early maladaptive schemas. For this purpose, 420 students of Azad University of Tehran in the academic year of 2017-2018 were selected through availability sampling and were evaluated for parental-child relationship patterns, schemas and attachment. Hierarchical regression analysis showed that among the components of mother-child relationship pattern " control, intertwine , inflexibility and indifference", and among the components of father-child relationship pattern " intertwine " , and among attachment styles, " ambivalent and avoidant attachment styles" were meaningful predictors of early maladaptive schemas. It seems that through modifying parent-child relationship patterns and considering attachment styles, we can prevent the formation of maladaptive schemas.

Keywords: Parent-child relationship pattern, Schema, Attachment styles

Electronic mail may be sent to: t.ranjbaripour@gmail.com